

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/10/02

تعریف بدعت نزد اهل سنت :

بزرگان اهل سنت به چه چیزی بدعت می گویند؟ حتی می گویند: تسبیح چرخاندن بدعت و حرام است و این آیا شامل تعریف آنها از بدعت می شود یا نه؟ در رابطه با بدعت، در کتاب های لغت و کتاب های تفسیری و غیره، ذیل آیه شریفه:

ما کنت بدعا من الرسل.

من پیامبر نو ظهوری نیستم .

سوره الأحقاف (46)، آیه 9

کتاب های لغت اهل سنت مثل صحاح اللغه جوهری و لسان العرب و العین ابن فارس مفصل بحث کرده اند.

بدعت را این گونه تعریف کرده اند:

إنشاء الشيء لا عن مثال سابق و إختراعه و إبتکاره بعد أن لم یکن.

ایجاد چیزی که نه به شکل سابق و به اختراع و ابتکار بعد از آن که از اول هیچ چیزی نبوده باشد.

يعني كار نو و عمل بي سابقه.

والبدعة في المذهب إيراد قول لم يستن قائلها وفاعلها فيه بصاحب الشريعة وأمائلها المتقدمة وأصولها المتقنة .

بدعت در مذهب وارد کردن سخني است که گوینده و انجام دهنده آن در شریعت و مانند آن.

مفردات غریب القرآن، راغب اصفهانی، ص 39.

بدعت در دین، آن گفتار و کرداری است که به صاحب شریعت، مستند نباشد؛ یعنی انسان کاری را انجام دهد و به صاحب شریعت نسبت ندهد.

مرحوم سید مرتضی رضوان الله علیه از فقهای شیعه بدعت را این گونه تعریف می کنند:

البدعة زيادة في الدين أو نقصان منه من إسناد إلي الدين.

بدعت زیادت و یا نقصان در دین با قصد وارد کردن در دین.

رسائل سید مرتضی، ج 2، ص 264، چاپ دارالقرآن قم.

طریحی می گوید:

البدعة الحدث في الدين و ما ليس له اصل في كتاب و سنة.

بدعت چیز جدید در دین گویند که در کتاب و سنت اصلی نداشته باشد.

عده اي ديگر گفته اند:

**البدعة إدخال ما ليس من الدين في الدين.**

بدعت يعني داخل کردن چیزی در دين که در دين نيست.

كشف الإرتياب، ص 143 - جواهرالكلام، ج 2، ص 278.

ابن حجر عسقلاني از بزرگان اهل سنت مي گويد:

والمحدثات بفتح الدال جمع محدثة، المراد بها ما أحدث و ليس له اصل في الشرع، و يسمي في عرف الشرع بدعة و

ما كان له اصل يدل عليه الشرع فليس ببدعة. البدعة في عرف الشرع مذموم بخلاف اللغة، فإن كل شيء أحدث علي

غير مثال يسمي بدعة سواء كان مذموماً أو محموداً.

محدثات به فتح دال جمع محدث است و مراد از آن هر چیزی است که از نو ايجاد شود و در دين ريشه اي نداشته

باشد و اين را در عرف اهل شرع بدعت مي نامند. و آنچه که در شريعت داراي اصل و ريشه باشد را بدعت نمي گویند.

بدعت نزد اهل شرع به خلاف اهل لغت کار مذمومي است چرا که هر کاري که بر خلاف آن شکلي بوده انجام شود را

بدعت گویند، چه آن کار پسندیده باشد يا نا پسند.

فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج 13، ص 253، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي،

الوفاة: 852، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب.

آنچه که حادث شده باشد و هیچ اصل و ریشه ای در شریعت نداشته باشد و در عرف شرع، به این بدعت می گویند؛ اگر يك اصلي يا اطلاقي باشد که از او استفاده يك حکم شرعي بشود، از آن به بدعت تعبیر نمی شود. بدعت در عرف شرع مذموم است، این بدعت چه پسندیده و چه ناپسند باشد در عرف مردم، این را در عرف شرع بدعت گویند.

### صحابه بدعت گذار رو به سوی جهنم :

یعنی تمام روایاتی که در مورد حدیث حوض است مثل روایتی که از رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) نقل شده است که وقتی در روز قیامت می بیند که عده ای از صحابه را به سمت آتش جهنم می کشند، می گوید عرضه داشتم به کجا می برید اینها را؟

إلي أين؟ قالوا: إلي النار، أقول و ما شأنهم؟ قالوا: قد أحدثوا بعد ما فارقتهم.

گفتند به سوی جهنم، گفتم چرا؟ گفتند اینها به بدعت روی آوردند بعد از آن که از آنها جدا شدی.

یا در صحیح بخاری، جلد 5، صفحه 66 هست که مسیب به براء بن عازب می گوید:

لَقِيتُ الْبَرَاءَ بْنَ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَقُلْتُ طُوبَى لَكَ صَحِبْتَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَايَعْتَهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَقَالَ

يَا بْنَ أَخِي إِنَّكَ لَا تَذَرِي مَا أَحَدَّثْنَا بَعْدَهُ

خوشا به حالت که همراهی پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) نصیبت شد، و در بیعت رضوان بودی؛ براء بن عازب که از شخصیت های برجسته پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) بود، برگشت گفت: خبر نداری که ما چه بدعت هائی بعد از پیامبر (صلي الله عليه و سلم) ایجاد نمودیم.

الصحيح البخاري، الجامع الصحيح المختصر، ج 4، ص 1529، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا.

منشاء اصلي تقسيم بدعت به احكام خمسة :

آيا بدعت مي تواند معروض تمام احكام خمسة باشد يا نباشد؛ يعني بدعت واجب، بدعت حرام، بدعت مستحب و مكروه و مباح؟ اين بحث را اهل سنت به دنبال حرف خليفه دوم كه وقتي نماز تراويح (نوافل ماه رمضان) را دستور داد به جماعت بخوانند، ديد كه مردم به جماعت مي خوانند، گفت:

قال عُمَرُ نِعْمَ الْبِدْعَةُ هَذِهِ

عمر گفت: اين بدعت است ولي بدعت خوبي است.

الصحيح البخاري، الجامع الصحيح المختصر، ج 2، ص 707، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا - سنن كبري بيهقي، ج 2، ص 493 - فتح الباري، ج 4، ص 219 - عمدة القاري، ج 11، ص 125.

سپس آقاياں اينجا گير مي کنند كه عبارت خليفه دوم را با عبارت رسول اكرم صلي الله عليه و آله و سلم چگونه معنا کنند كه رسول اكرم صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:

وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة و كل ضلالة في النار.

هر چیز جدیدی بدعت و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است.

الدر المنثور، ج 3، ص 612، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، الوفاة: 911، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993. فتح القدير، ج 2، ص 267 - سنن كبري نسائي، ج 1، ص 550 - المعجم كبير طبراني، ج 9، ص 97.

نکته بعدی که باید توجه کنیم، عبارت است از ارکان بدعت.

### ارکان اساسی بدعت :

به دو نکته اساسی در رکن بدعت توجه شده است:

1- بدعت، يك ركنش تصرف در دين است؛ يعني چیزی را به نام دين وارد دين کردن؛ مثلا نافله ماه رمضان، به جماعت نبوده و انسان بيايد آن را به جماعت وارد دين کند؛ يا يك پارچه را به ضريح ببنديم به عنوان اين که دين اين را مي گوید؛ حتي اگر شهادت ثالثه (أشهد أن عليا ولي الله) به عنوان ورود و تقيد در اذان گفته شود، نه به عنوان قول الله و شريعت.

2- اين که در دين تصرف مي شود، ريشه در کتاب و سنت نداشته باشد؛ يا بخصوصه و يا بعمومه و إطلاقه؛ مثلا در رابطه با تهيه امکانات نظامي مدرن که در زمان رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) و صحابه نبوده و بهترين سلاحشان شمشير و نیزه بود و بهترين مرکبشان قاطر و اسب بود؛ ولي الآن توپ و تانک و مسلسل و هواپيماهاي بمب افکن و... استفاده مي شود؛

معمولا بر کشورهای اسلامی نه تنها جائز، بلکه به عنوان تکلیف شرعی است که اینها را تهیه کنند و لازم و واجب است؛ حالا آیا این بدعت است؟ خیر؛ چون تهیه ادوات جنگی بشخصه در شریعت نیست؛ ولی بعمومه و اطلاقه هست:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ.

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید. **سوره الأنفال، آیه 60.**

آیه می فرماید: تا می توانید خود را در برابر دشمن مجهز کنید؛ حالا در آن زمان منحصر به شمشیر و نیزه و تیر بود؛ امروز اعم از آنها و بعضی ادوات جنگی مدرن است.

پس اگر آمدیم در یک جا مسئله ای را وارد شریعت کردیم و به عنوان یک امر لازم و مستحب یا به عنوان مباح شرعی، اگر در شریعت ریشه داشت، ولو به اطلاقه و عمومه یا به صورت اختطافه یعنی از چند دلیل، یک مطلبی را گلچین می کنیم و آن را به شریعت نسبت می دهیم؛ مثل شهادت ثالثه که در قرآن نیست؛ ولی از آیات شریفه و روایات متعددی از شیعه و سنی، استفاده می کنیم که امیر المومنین علیه السلام، ولی الله است و از این ادله استفاده می کنیم که:

أشهد أن عليا ولي الله

البته اگر ما آن را داخل و جزء اذان بدانیم، این بدعت است؛ ولی اگر با ادله و استناد باشد، هیچ ایرادی ندارد.

این دو مسئله روشن شد و آقایان اهل سنت می گویند ما هر چیزی را، برچسب بدعت می زنیم و بعد از بدعت، کفر و بعد از کفر هم، وجوب قتل را ثابت می کنیم. مثل همان نایبانی که در مآذنه بر پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) صلوات می فرستد و آقای محمد بن عبد الوهاب گردنش را می زند. فقط اتهام به بدعت نیست، این زمینه ساز شرك و کفر و بعد اعدام و قتل است.

اگر وهابیت بخواهند به تمام فتاوای محمد بن عبد الوهاب عمل کنند، باید 90% مسلمانان را واجب القتل بدانند. در سراسر دنیا، حدود 10 میلیون وهابی باشد و تعداد مسلمانان یک میلیارد و 400 میلیون نفر است. این عده قلیل در برابر تمام مسلمانان حکم قتل داده اند. هیچ مسلمانی نیست که وقتی در اذان به نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می رسد بر او صلوات می فرستد چه شیعه و چه سنی و زیدی و شافعی و...؛ لذا اینها نمی توانند با این تعداد کمشان کاری بکنند و قطعاً اگر وهابیت فرصت پیدا کنند، تمام مسلمانان را قلع و قمع می کنند.

### أصالة الإباحة بهترین پاسخ برای بدعت :

یکی از اصلی ترین بحث های ما، اجرای «أصالة الإباحة» است و غالب علماء که از این بدعت جواب داده اند، از این مسئله غفلت کرده اند و فقط حضرت آیت الله سبحانی در کتاب جدیدش به نام «وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی» در مقدمه یک اشاره ای کرده اند و بنده هم سر نخ را از ایشان گرفته ام. اگر ما اصالة الإباحة را خوب پیروانیم و ببینیم که از آیات و روایات و اقوال علماء، چیزی را می شود بدست آورد یا نه. حدود 12 ساعت گشتم و 2 صفحه که شاید جدید و بکر باشد آماده کردم و بنده ندیدم کسی بدین شکل در رابطه با وهابیت کار کرده باشد.

### آیات :

خود آقایان اهل سنت و وهابیت، استدلال به چند آیه دارند و همین طور بزرگان شیعه:

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ...

چرا از چیزها [گوشتها] بی که نام خدا بر آنها برده شده نمی خورید؟! در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده،

بیان کرده است! **سوره الأنعام (6)، آیه 119.**



خدای عالم آنچه که حرام بوده، توسط قرآن یا پیامبرش، برای شما به تفصیل بیان کرده است. پس معلوم می شود اگر ما در یک مسئله شک کردیم که حلال است یا حرام؟ رجوع می کنیم به کتاب و سنت، اگر در کتاب و سنت صراحت داشت بر حرمت، می گوئیم: **هذا حرام** و إلا می گوئیم: **هذا حلال**. مثلاً: اگر کسی بخواد چای بخورد، مراجعه می کنیم به کتاب الله، می بینیم که آیه در حرمت آن وجود ندارد، در سنت هم نداریم، پس این از مصادیق **قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ** نیست و حکم به اباحه آن می کنیم.

سوره انعام آیه 145 می گوید:

**قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَيَّ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلًا لِيُغَيِّرَ اللَّهُ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**

بگو: «در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذایی حرامی نمی یابم بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک- که اینها همه پلیدند- یا حیوانی که به گناه، هنگام سر بریدن، نام غیر خدا [نام بتها] بر آن برده شده است.» اما کسی که مضطر (به خوردن این محرّمات) شود، بی آنکه خواهان لذت باشد و یا زیاده روی کند (گناهی بر او نیست) زیرا پروردگارت، آمرزنده مهربان است.

سوره الانعام (6)، آیه 145.

من در آنچه خدای عالم به من وحی کرده از محرّمات طعامی، چیزی نیافتم غیر از....

از این آیه مشخص می شود که هر حرامی باید مستند به **ما أوحى إلي النبي** باشد، **کتاباً أو سنه** و اگر ما در کتاب و سنت گشتیم و در مورد شرب چای چیزی پیدا نکردیم، می گوئیم:

هذا خارج مما أوحى إلي النبي و هذا حلال.

و همچنین **سوره اسراء، آیه 15:**

وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا.

و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند).

اگر چیزی حرام باشد و ما نتوانیم پیدا کنیم، معذب نمی شویم:

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ. ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انذارکنندگان (از پیامبران الهی)

داشتند. **سوره الشعراء (26)، آیه 208.**

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِهَا رَسُولًا يَكْتُبُ عَلَيْهِنَّ آيَاتِنَا وَ مَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَ أَهْلِهَا ظَالِمُونَ. و

پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان

بخواند و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! **سوره القصص (28)، آیه 59.**

این آیات نشان می دهد که هرگونه اهلاك و انذار، قبل از حجت، صحیح نیست. پس آیات نشان می دهد بر این که

یا باید جزء **ما فصل لكم** باشد یا **ما أوحى إلي** باشد یا **حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا**. اگر دیدیم جزء هیچکدام نیست، می گوئیم

خارج از اینها عقلاً و شرعاً و قرآناً و سنه، مباح است.

## روایات :

در رابطه با روایات باید گفت که خود اهل سنت، روایات متعددی دارند. حاکم نیشابوری روایت کرده که ابودرداء نقل می کند که:

ما أحل الله في كتابه فهو حلال وما حرم فهو حرام وما سكت عنه فهو عافية

آنچه را که خداوند در کتاب خود حلال کرده حلال و آنچه را که حرام کرده حرام و آنچه را که بدون حکم گذارده در عافیت (بی اشکال و مباح) است.

المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 406، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، الوفاة: 405 هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا.

پس هر چه خدای عالم از آن ساکت شده و حلال یا حرام نشمرده است، شما را در عافیت قرار داده است یعنی همان کل شیء لك مباح، کل شیء لك طاهر، کل شیء لك جائز، کل شیء لك حلال است.

حاکم نیشابوری ذیل روایت فوق که آوردیم می گوید: هذا حدیث صحیح الإسناد.

هرچه کتاب بگوید همان است؛ همچنین اگر سنت هم بگوید همان است؛ چون در قرآن هست که:

وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا.

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیریید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید

سوره الحشر (59)، آیه 7.

يعني به سنت هم بايد عمل کرد و قرآن سنت را تائيد کرده است.

در سنن بيهقي همين عبارت مستدرک را آورده و اين را هم اضافه دارد که:

**فاقبلوا من الله عافيته، فإن الله لم يكن نسيا**

از سوي خداوند عافيت بطلبيد چرا که خداوند چيزي را فراموش نمي کند.

سنن البيهقي الكبرى، ج 10، ص 12، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي الوفاة: 458، دار النشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - 1414 - 1994، تحقيق: محمد عبد القادر عطا - مجمع الزوائد هيثمي، ج 1، ص 171.

وقتي خدای عالم، شما را در عافيت و مباح قرار داده، بايد اين تفضل و امتنان خدا را پذيرفت و خداوند فراموش کار نيست و اگر قرار بود چيزي حرام يا حلال باشد، آن را توسط پيامبرش مي فرستاد.

اين روايت را هيثمي آورده و مي گويد: **إسناده حسن و رجاله موثقون.**

اقوال علماء:

ابن حجر عسقلاني از استوانه هاي علمي، اصولي و كلامي اهل سنت است و مي گويد:

**وأن الأصل في الأشياء الإباحة**

اصل در اشياء اباحه است.

فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج 9، ص 656، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي  
الوفاة: 852، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب.

این خیلی روشن و واضح است؛ همان مطلب علماء ما است که می گویند: **أصالة الإباحة.**

همین تعبیر را آقای عینی دارد و می گوید:

**ولا شك أن الحرمة متأخرة عن الإباحة؛ لأن الأصل في الإشيء الإباحة.**

شکی نیست که حرمت متأخر از اباحه است چرا که اصل در اشیاء اباحه است.

عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج 5، ص 49، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني، الوفاة: 855هـ،  
دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

همچنین آقای قرضاوی که مرجع تقلید اکثریت آقایان اهل سنت و رئیس مجمع مسلمین جهان هم هست، در کتاب  
خود می گوید:

**الأصل في الإشيء الإباحة. حكم الغناء في الإسلام، ص 5.**

بعد آیات و روایاتی را که ما عرض کردیم در آنجا هم مطرح می کند.

ابن تیمیه، بزرگ تئورسین وهابیت، در کتاب مجموع فتاویش صراحت دارد که:

**فلا دين إلا ما شرع الله ولا حرام إلا ما حرمة الله**

دين به جز آنچه كه خداوند مشروع ساخته نيست و حرامي غير از آنچه خداوند حرام ساخته نيست.

كتب ورسائل وفتاوي شيخ الإسلام ابن تيمية، ج 11، ص 631، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، الوفاة: 728، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي.

باز هم معنای دیگری از همان عبارت **الأصل في الإشياء الإباحة** را می گوید.

یکی از محکم ترین و قوی ترین دلائل ما، که هم عقل می پسندد و هم قرآن و شرع، و خیلی هم مطلبش واضح است و نیازی به دلیل زیادی ندارد، همین **إصالة الإباحة** است که علماء بزرگشان هم در کتاب های خودشان دارند.